آینه

اعتماد

پالرمو و پیش‌بینی هاشمی

● **سیدعلی میرفتاح:** خیلی از همین‌ها که امروز دولت روحانی را صراحتا بی‌کفایت می‌خوانند، شک نکنید که اگر رقیبش پیروز می‌شد با آه و فغان، حسرتش را می‌خوردند و می‌گفتند کاش روحانی مانده بود... هاشمی اما فکر می‌کنید چرا مانع از آن شد که روحانی به خانه‌اش برگردد؟ آیا هاشمی نمی‌توانست چنین روزهایی را و چنین هجمه‌های همه‌جانبه‌ای را پیش‌بینی کند؟ هاشمی بیش از همه ما روحانی را می‌شناخت و به ضعف و قوت او بیش از ما واقف بود. در سال ۹۲ هم وقتی نتوانست شخصا وارد کارزار انتخابات شود، هوشمندانه کاری کرد که راه برای رفیقش باز شود و چنین منصب مهمی به دست رقیب نیفتد. در سال ۹۶ هم هاشمی نگران بود که مبادا رقیب بیاید و بازی را به هم بزند؛ اما آیا او حدس می‌زد کار روحانی در داخل و خارج به خنس بخورد و او حتی از عهده تصویب لوایح موسوم به پالرمو برنیاید؟ حرف‌هایی که دیروز مجید انصاری زد و اخبار راست و دروغی که این طرف و آن طرف درز پیدا کرده گواهی می‌دهند که قصه پالرمو به همین سادگی حل نمی‌شود. طرف مقابل با تمام قوا به میدان آمده تا نگذارد سی‌افتی آن طوری که دولت می‌خواهد به نتیجه برسد.

کیهان

سلام‌وعلیک ۳ میلیاردی با راننده مینی‌بوس آزادی-ونک!

● **محمد صرفی:** حامی و منتقد دولت در این مورد هم‌عقیده هستند که دولت تمام تخم‌مرغ‌های خود را در سبد برجام چید. جالب آنکه خود دولت نیز همین عقیده را دارد و برای فرار از مسئولیت می‌گوید برخی‌ها درباره منافع برجام انتظارات مردم را بالا بردند! این هم از آن طنزهای تلخ تاریخی است. احتمالا مریخی‌ها می‌گفتند برجام فتح‌الفتوح و توافق قرن است و مشکل آب‌خوردن مردم را هم حل می‌کند و منتقدان اندک برجام می‌گفتند و تیتر می‌زدند؛ «امضای جان کری تضمین است» و «صبح بدون تحریم»! در اغلب مشکلات و حتی مفاسد اقتصاد ایران، بانک‌ها نقش یا نقش اساسی دارند و به قول معروف همیشه پای یک بانک در میان است. مسئولین محترم دولت اگر به دنبال حل مشکلات بانکی هستند، لازم نیست امتیاز هسته‌ای و غیرهسته‌ای به غرب بدهند. کافی است دوروبر خود را نگاه کنند. اغلب مشکلات این حوزه از آنچه فکر می‌کنند، نزدیک‌تر و از قضا حلش ساده‌تر است.

رخدادهای ۴۰ سال پیش، آن سوی انقلابیون

انتشار روزنامه‌های توقیف‌شده بلامانع شد

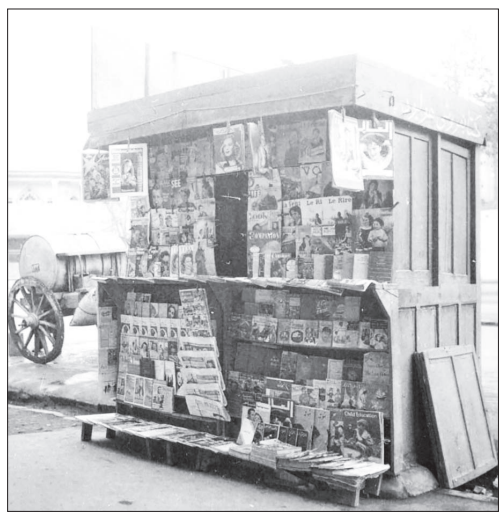

شرق: ۱۱ بهمن ۵۷، بختیار برنامه‌های دولت خود را اعلام کرد؛ ازبین‌رفتن دخالت دولت در امور تولیدی و صنایع و معادن، تأمین استقلال رادیو و تلویزیون، تریبون آزاد به احزاب و گروه‌ها، بخشودگی مالیاتی، تقویت بخش خصوصی در حوزه مسکن و تقلیل دخالت دولت، مبارزه با زندگی تجملی و نیز رسیدگی عملیاتی مالی چهار سال اخیر صندوق تأمین اجتماعی جزء برنامه‌های او بود. هر روز که می‌گذشت بر تعداد نمایندگان مستعفی افزوده می‌شد. تلفن‌های تهدیدآمیز و تهدید به قتل نمایندگان رو به افزایش بود؛ تا جایی که تعداد نمایندگان مستعفی به ۳۲ نفر رسید. اما ۱۷۲ نماینده دیگر اعلام کرده بودند که تا آخرین روز نمایندگی این سنگر را حفظ خواهند کرد. ۱۱ بهمن‌ماه استاندار سیستان‌وبلوچستان هم استعفا داد و دلیل آن را شخصی دانست. در همین روز، به دستور دکتر جواد سعید، رئیس مجلس، کمیته‌ای مأمور تحقیق و بررسی وقایع جمعه و یکشنبه تهران شده بود.

در این روز، دولت اعلام کرد همه جرائدی که پیش از دهم مرداد ۱۳۳۴ منتشر شده و به علت توقیف فرمانداری نظامی دچار وقفه شده‌اند می‌توانند طبق قانون مطبوعات تقاضای تجدید انتشار کنند.

خبرگزاری فرانسه هم از مراکش گزارش داده بود که «از دیشب در میان اطرافیان شاه ایران در مراکش ناراحتی و عصبانیت زیادی حکم‌فرما شده است. اردشیر زاهدی که طرفدار روش خشونت‌آمیز در برابر مخالفان است، در تمام ساعات دیروز درهای اتاقش را به روی روزنامه‌نگاران بسته و به‌تنهایی مشغول کار بود. زاهدی که شنبه گذشته به شهر مراکش آمده جمعه همراه پرنس رضا به آمریکا باز می‌گردد. شاه که از ۱۵ روز پیش در خارج از کشور تعطیلات خود را می‌گذراند و از مصر به مراکش آمده، پیش‌ازظهر دیروز را با فرزندانش در زمین گلف سلطنتی به سر برد و بعدازظهر به محل اقامتش بازگشت. شاه درحالی‌که خودش پشت فرمان اتومبیلی که پادشاه مغرب در اختیارش گذاشته نشسته بود، از خیابان‌های شهر مراکش گذشت و به اقامتگاه خویش رفت».

پراودا، روزنامه رسمی حزب کمونیست شوروی هم نوشته بود: «هایزر که اوائل ژانویه به تهران آمده عملا کار نائب شورای سلطنت را انجام می‌دهد و با فرماندهان ارتش ایران ارتباط گرفته تا مطمئن شود که ارتش بدون کسب دستور از آمریکا کاری نمی‌کند. این یعنی هایزر حکومت ایران و رهبران نظامی این کشور مشترکا مسئول خون‌های ریخته شده‌اند!»

۱۲ بهمن ماه هم که روز آمدن امام به ایران بود، تلویزیون ناگهان برنامه پخش مستقیم از ورود امام را قطع کرد. گفته شده بود که بختیار دستور قطع پخش برنامه را داده است. اما بختیار در گفت‌وگو با خبرنگار کیهان گفت: «من دستور قطع برنامه را ندادم. برای اینکه مردم در جریان ورود امام باشند موافقت کردم که اعضای سازمان تلویزیون سرکار خود برگردند. کیهان در ادامه نوشته بود که نظامیان مانع پخش مستقیم برنامه بوده‌اند. آنها به استودیو رفته و وقتی سرود «ای ایران ای مرز پر گهر» به جای سرود ملی پخش می‌شده اعتراض کردند و دستور پخش سرود ملی به همراه تصویر شاه را داده و گفته‌اند درست است که شاه از ایران خارج شده اما هنوز استعفا نداده و باید تصویر او پخش شود».

بختیار در این روز یک مصاحبه با بی‌بی‌سی داشت و یک پیام تلویزیونی هم منتشر کرد. به بی‌بی‌سی گفت: «در این سال‌ها یک رژیم فاسد سرکار بوده است. من در این ۲۵ سال در رأس کارها نبودم که الان رانده شوم. من آزادی را برگرداندم که یک عده متأسفانه عادت به دیکتاتوری دارند. دیکتاتوری محیط محمدرضا شاه را قبول کردند دیکتاتوری آینده هم شاید مطلوبشان باشد».

در پیام تلویزیونی هم گفت که من با صدای بلند به هم‌وطنان هشدار می‌دهم که از این ساعت هر قطره خونی که در این کشور ریخته شود با درنظرگرفتن آزادی‌هایی که داده شده و روش مسالمت‌آمیز دولت به گردن افرادی خواهد بود که توطئه نموده و قوای نظامی را به مبارزه دعوت نموده. با همه آزادی‌هایی که امروز داریم دیگر جای خشونت و زد و خورد نیست».

سی‌بی‌اس هم گزارش داده بود که شاه ایران از رؤسای نظامی خود خواسته عمدا جنگ داخلی برانگیزند و به سود او کنترل اوضاع را به دست گیرند. سی‌بی‌اس منبع خبر خود را نواری ذکر کرده بود که به‌صورت سری گفت‌وگوهای شاه و فرمانده نیروی زمینی ارتش را قبل از اینکه ایران را ترک کند، ضبط کرده بود و ۱۵ روز قبل این نوار از سوی یک دانشجوی ایرانی به تلویزیون سی‌بی‌اس سپرده شده بود. سی‌بی‌اس گفته بود که این نوار ازسوی کارشناس صوت‌شناسی دانشگاه ایالتی میشیگان هم بررسی شده و هویت آن تأیید شده است. به گزارش سی‌بی‌اس شاه گفته بود که ما طعمه خصومت و نفرت بین ارتش و مردم هستیم. شاه به فرمانده نیروی زمینی ارتش گفته که شما ضمن صدور دستور شلیک و کشتار می‌توانید این دو نیرو (مردم و ارتش) را علیه هم برانگیزید.

نپذیرفتن FATF ما را در دنیا منزوی می‌کند

محمود میرلوحی . عضو شورای‌عالی اصلاح‌طلبان

سال‌هاست شاهد این هستیم که سازمان‌های بین‌المللی توسط قدرت‌ها مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد و آنها با رفتارهای خاصی مثلا شورای امنیت را مجبور کردند علیه ما قطع‌نامه در پرونده هسته‌ای صادر کند. ما در برجام توافق کردیم و برخی مسائل ازجمله مطالعات ادعایی نظامی در پرونده هسته‌ای در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بسته شد و آمریکا و اسرائیل امروزه هر چه دست‌وپا می‌زنند تا پرونده مطالعات ادعایی نظام در انرژی هسته‌ای کشور را باز کنند، موفق نمی‌شوند. یک‌سری از کنوانسیون‌ها ازجمله پالرمو و FATF از این دسته هستند. ما قبول داریم آمریکا از این ابزار متأسفانه سوءاستفاده کرده و حرکت‌های مقاومت و آزادی خواهانه دنیا را سعی دارد محدود کند، ولی باید بپذیریم امروز ۱۸۰ کشور و در برخی کنوانسیون‌ها ۱۳۸ کشور آنها را تأیید کرده‌اند و اگر بخواهید همکاری بانکی با دنیا کنید و مبادلات مالی داشته باشید، باید با این کشورها در چارچوب همین کنوانسیون‌ها مشارکت کنید.

برخی فکر می‌کنند آمریکا چون در گذشته از این نظامات مانند سوئیفت سوءاستفاده کرده، باید از این کنوانسیون‌ها هم دوری کرد. اگر می‌خواهیم به کشورهایی مانند کشورهای اروپایی و همچنین چین، هند ، روسیه و ژاپن نفت بفروشیم و مبادلات بانکی داشته باشیم، باید به این کنوانسیون‌ها ملحق شویم. بحث مبارزه با جرائم سازمان‌یافته و عدم همکاری با گروه‌های تروریستی را همه بانک‌ها و کشورهای جهان پذیرفته‌اند و قبول دارند در چارچوب این کنوانسیون‌ها با این جرائم مقابله شود. با وجودی که قبول داریم ممکن است آمریکا از این کنوانسیون‌ها سوءاستفاده کند، همان‌طور که از شورای حکام سازمان بین‌المللی انرژی اتمی سوءاستفاده شد ولی ایستادیم و برجام را به تصویب رساندیم و غنی‌سازی را به‌عنوان حق ایران در سطح جهانی همه به رسمیت شناختند. اکنون آمریکا و اسرائیل تنها هستند و اروپا و کشورهای دیگر با آمریکا دچار اختلاف شده‌اند.

اگر FATF تصویب نشود، ما در انجام مبادلات بانکی منزوی می‌شویم و عملا مطلوب آمریکا و اسرائیل را فراهم می‌کنیم؛ یعنی با دست خود کاری می‌کنیم تا آنهایی که می‌خواهند با ما کار کنند، دیگر نتوانند کار کنند و با ما قطع رابطه کنند. نباید شرایط را برای سوءاستفاده آمریکا فراهم کنیم. شاید شرایط ما مانند هند، ترکیه و پاکستان نباشد و فرصت‌های آنها را نداشته باشیم. ما محدودیت‌های بیشتری داریم و آنها فرصت‌های متنوع‌تری دارند، نباید لج‌بازی کنیم و بگوییم چون شما همکاری نمی‌کنید ما هم این کنوانسیون‌ها را تصویب نمی‌کنیم. باید بهانه را از آنها بگیریم و مناسبات بانکی خود با دنیا را تسهیل کنیم.

درباره پالرمو هم مشخصا بحث جرائم سازمان‌یافته است. متأسفانه برخی دقت نمی‌کنند یا اینکه می‌دانند و این مخالفت‌ها را می‌کنند. آیا مثلا ما طرفدار جرائم سازمان‌یافته قاچاق مواد مخدر یا قاچاق انسان هستیم؟ ما که بیش از دیگران مراقبیم و بیش از دیگران آسیب دیدیم و تاکنون هزینه داده‌ایم. چقدر شهید برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته داده‌ایم؟ اتفاق مهمی در دنیا افتاده و در شرایطی که مصوبات شورای امنیت علیه ما برداشته شده تنها آمریکا و اسرائیل مقابل ما قرار گرفته‌اند. چرا الان کشتی‌ها و بنادر و سازمان‌های هواپیمایی و فرودگاهی با ما مشکل دارند؟ چون آمریکا به تمام شرکت‌هایی که در آن کشور ثبت شده‌اند یا سهام دارند، دستور داده تحریم‌ها را علیه ایران اجرا کنند. شما هیچ شرکت فرودگاهی یا توزیع‌کننده سوخت یا بندر پیدا نمی‌کنید که شرکت‌های آمریکایی در آنها سهام نداشته باشند یا در بورس آمریکا عرضه نشده باشند؛ منتها باید با بقیه دنیا کار کرد. برخی شرکت‌های بین‌المللی در آمریکا ثبت نشده‌اند یا در بورس‌های آمریکایی سهامشان عرضه نمی‌شود، چرا نباید با آنها مبادلات اقتصادی کنیم؟ ما نباید خودمان را با دست خود منزوی کنیم.

ما رفتارهای غیرمنطقی ترامپ و آمریکا را شاهدیم ولی چرا باید به سایر کشورهای خریدار نفت ازجمله اروپا بهانه بدهیم و آنها هم ارتباطشان را با ما قطع کنند. ممکن است عده‌ای بگویند با تصویب این کنوانسیون‌ها، بهانه به دست آمریکا می‌دهیم، بله، ممکن است بهانه‌گیری کنند ولی چرا باید رفتار غیرمنطقی آمریکا باعث منزوی‌شدن ما شود. آمریکا با کشورهایی مانند اعضای اتحادیه اروپایی که تاکنون متحد بوده، به اختلاف رسیده‌اند و ممکن است با عضویت ما در این کنوانسیون‌ها اختلاف آمریکا با این کشورها جدی‌تر شود، ولی اگر در عضویت در این کنوانسیون‌ها تأخیر کنیم، آنها با همدیگر متحد می‌شوند. تأخیرکردن هزینه بالایی برای مردم و حوزه اقتصادی کشور دارد.

درباره کدام آمریکا حرف می‌زنیم؟ آمریکای اوباما یا آمریکای ترامپ

ساسان کریمی . کارشناس روابط بین‌الملل

به قدمت تاریخ سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، یکی از پرسش‌های حاشیه‌ای موجود در اذهان اهالی سیاست درباره ارتباط بین سیاست داخلی و خارجی بوده است. فارغ از آنچه سیاست‌مداران و به‌ویژه دیپلمات‌ها در کسوت رسمی بیان می‌کنند که نوعا فراغت از سیاست داخلی و انفکاک از رقابت‌های درون‌کشوری است، ناگفته پیداست که این تعارفی دیپلماتیک بیش نیست و واقعیت این است که اهالی سیاست، همه گرایش سیاسی خاصی دارند و خود را متعلق به جریان خاصی می‌دانند.

عمدتا در درس‌های روابط بین‌الملل، فارغ از نظریه حاکم «دولت»، هرچه باشد، به‌عنوان واحد کنش‌کننده در روابط بین‌الملل شناخته می‌شود. همان که نه‌تنها دوستان، بلکه دشمنانش هم در غالب موارد آن را به رسمیت می‌شناسند و هر آنچه مذاکره و طلب و بدهی و محکوم‌کردن است، در قبال اوست که انجام می‌دهند. حتی در خلال جنگ نیز نمایندگانش را میزبانی و در سطوح مورد توافق، روابط دیپلماتیک را حفظ می‌کنند.

این رویکرد، یعنی دولت‌مداری در روابط بین‌الملل، در تناسب حداکثری با آن چیزی است که به نظریه واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل شهره است. واقع‌گرایان عمدتا به این نگاه قائل‌اند که فارغ از آنچه درون کشورها می‌گذرد، به‌واسطه کارویژه‌ای که به دولت‌ها تحمیل می‌شود، رفتار عمدتا یکسانی را می‌توان از آنها انتظار داشت. این نظر علاوه بر بی‌تفاوتی ادعایی نسبت به مناسبات داخل حوزه دولت‌ها، بر این است که دولت‌ها به‌مجرد اینکه تحلیلشان بر هم‌راستایی باشد، می‌توانند مؤتلف شوند.

در کنار این نظریه که شایع‌ترین نظریه روابط بین‌الملل است، نظریات دیگری هم هست که در میان عمده نگاه‌های جریان‌ساز اگر از ایده دولت جهانی کانت عبور کنیم، مهم‌ترینشان همان است که منشعب از نظر گروسیوس هرچند فضای آنارشیک نظام بین‌الملل را به رسمیت می‌شناسد ولی هم‌زمان به آن قائل است که می‌توان نظمی مبتنی بر منافع متقابل را در آن ساخت. ایده‌ای که با آنچه «صلح لیبرالی» نامیده می‌شود، بیشترین قرابت را دارد: صلحی که با مطالعه در تاریخ دو سده اخیر می‌توان به آن اذعان کرد که میان دولت‌های لیبرال‌دموکراسی که یکدیگر را نیز دولتی لیبرال‌دموکراتیک بدانند، هرچند مناقشات تا سطوح بالا نیز کشیده شده، اما هیچ‌گاه به جنگی تمام‌عیار مبدل نشده است و این به‌دلیل الزام این دولت‌ها به پاسخ‌گویی مستقیمشان است به افکار عمومی که غالبا هزینه دولت‌ها و جنگ‌ها را می‌پردازند و به‌همین‌دلیل به‌راحتی، دیگر نظام لیبرال‌دموکرات را تهدیدی خطرناک تلقی نکرده و به حاکمان منتخب اجازه دست‌زدن به چنین انتخاب مهلکی را نمی‌دهد. از آنجا که هیچ جریانی در سیاست عامدا دست به خودکشی و حذف خود از صحنه نمی‌زند، موضوع منتفی است و جنگ گزینه‌های بسیاری را پیش از خود برای حل مناقشه می‌بیند.

اگر گامی به عقب برگردیم آن چیزی که به نظر می‌رسد مجددا باید به آن بیندیشیم همین است که آیا هنوز می‌توان به قطعیت گفت که واحد کنش در روابط بین‌الملل دولت‌ها هستند؟ آیا هنوز می‌توان به انفکاک کامل میان سیاست داخلی و خارجی یک دولت معتقد بود؟

واقع امر اینکه هر دولتی و در نظام‌های انتخاباتی هر حزبی که بر مسند قدرت باشد، اظهار و اشعار خود را بر آن می‌نهد که گویی آنچه می‌گوید مورد تأیید بی‌شرط همه نیروهای سیاسی کشور متبوعش است و در هماورد با رقیب بین‌المللی‌اش هیچ رقیب داخلی‌ای را در پشت سر و پیش‌روی خود نمی‌بیند.

اما دست‌کم به‌دلیل تأثیرات واقعی و عملیاتی شکست‌ها و پیروزی‌هایی که برای جریان‌های بر سر قدرت در دوران زمامداری‌شان پیش می‌آید و در نتیجه باعث شکست و پیروزی در انتخابات‌های بعدی داخلی می‌شود، به نظر می‌رسد باید در این اظهار، تجدیدنظر کرد. به‌عنوان یک ایده نظری شاید بتوان گفت هرچند تعداد نظام‌های انتخابات-پایه در جهان بیشتر می‌شود، واقعیت سیاسی از آنچه در نظریه موسوم به واقع‌گرایی گفته شده، فاصله بیشتری می‌گیرد و به نظر گروسیوس نزدیک‌تر می‌شود و ازهمین‌رو است که می‌توان در نظر آورد که بازیگران عرصه بین‌الملل نه دولت‌ها بلکه جریان‌های اصلی داخلی کشورها هستند. حال اگر در کشوری یک جریان اصلی سیاسی بیشتر وجود نداشته باشد، به سیاق آنچه در واقع‌گرایی گفته شد، تمام حرف و موضع حضور در صحنه بین‌الملل، همان است که بیان می‌شود و به‌واقع صدای دیگری وجود ندارد؛ اما چه کسی می‌تواند چشم روی واقعیت امروز نظام‌های انتخابات-پایه ببندد که در آنها همان هنگام که نماینده در حال مذاکره است، رقبای سیاسی جریان متبوعش در حال محاسبه حرکت‌های بعدی‌شان براساس همین مذاکره هستند. این موضوع خیلی دور از ذهن نیست، هرچند دور از مواضع رسمی باشد. جریان‌های اصلی کشورها مانند همان که در عرصه بین‌الملل برقرار است، بر سر قدرت با یکدیگر -اگر نه نزاع- دست‌کم در رقابتی دائمی هستند که هر لحظه دست از آن بکشند، نامه حذف خود را توشیح کرده‌اند.

قول به این مضمون لاجرم به این معناست که جریان‌های اصلی کشورهای مختلف در ضمن داشتن منافع مشترکی با رقبای داخلی خود - نظیر تمامیت ارضی، منافع سرزمینی و... - فقط با جریان‌ها و نه با کشورهای دیگر می‌توانند به هم‌نظری برسند و منافع خود را هم‌راستا با آنها ببینند: گاه ممکن است گرایش‌های آزادی‌خواه به مناسبت خاستگاه مشترکشان قرابت منافع بیشتری با یکدیگر داشته باشند که دور از تصور نمی‌نماید. اما آنچه جالب خواهد بود، اینکه در میان طرف‌های مختلف صحنه روابط بین‌الملل، گرایش‌های راست‌گرا و محافظه‌کار با وجود اینکه در ابراز مصداق مواضعشان دو سر طیف سیاست به نظر می‌آیند، اما در برهم‌زدن آنچه اوج روابط همکارانه بین‌المللی انگاشته می‌شود، منافع مشترک دارند و ازهمین‌رو است که طناب را به‌سوی خود می‌کشند که اتفاقا اصرار هر دو در جهت خود نتیجه یکسانی را به بار خواهد آورد.

به بیان صریح‌تر به‌واسطه در قدرت قرارگرفتن گرایش‌هایی با خاستگاه مشترک در طرف مقابل، امکان رسیدن گرایش سیاسی مشخصی به توفیقات عملی و در نتیجه تعیین سرنوشت سیاسی به نفع آن جریان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس، وقتی گروهی به انگیزه رقابت با رقیب داخلی خودشان که احیانا در قدرت است، در مشی و روش ایشان اخلال ایجاد می‌کنند، نه‌تنها به پیروزی خود به‌طور مستقیم کمک کرده‌اند، بلکه به‌طور غیرمستقیم به جریان معادل خود در طرف مقابل برای رسیدن به قدرت و پیروزی در رقابت داخلی طرف دیگر یاری رسانده‌اند. اگر این ایده را بپذیریم، هم به‌عنوان یک ملت و هم به‌عنوان سیاست‌ورز، تأثیر و تأثر عمل خود را منحصر به داخل مرزهای سیاسی خود قلمداد نخواهیم کرد و بدون هیچ‌گونه دخالتی از هیچ‌سوی، تأثیرگذاری توفیق یک جریان بر معادلش به‌واسطه سازوکار سیستماتیک نظام‌های انتخاباتی و رقابتی را دنبال خواهیم کرد. متناسب با تحلیل فوق درباره آنچه مسئله امروز ماست...

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه ۴

باخت تیم ملی و شخصیت جمعی ایرانیان

از سوی دیگر گله‌های مدتی قبل از بازی یکی دیگر از ویژگی‌های منفی است که به طور طبیعی بر مربی و بازیکنان اثری منفی می‌گذارد. مشکل زمانی جدی می‌شود که گلایه‌ها از سوی دست‌اندرکاران مربوطه به امور ورزشی بیان می‌شود و نوعی بلاتکلیفی ایجاد می‌کند و از اقتدار مربی در بین برخی از بازیکنان می‌کاهد. در صورت پیروزی احساسات بسیار غلیظی میدان‌دار می‌شود؛ ولی پس از مدت کوتاهی تیم‌ها به امان خدا رها می‌شوند. در صورت باخت به جای ارزیابی نقاط ضعف، دشمنی داور، توطئه دیگران، رشوه‌گیری مسئولان خارجی و حتی بخت و اقبال و ستارگان به میان می‌آیند.تحریک‌پذیری شدید به هنگامی که با ضعف یا فقدان مدیریت همراه شود، خود جانشین هدف اصلی یعنی برنده‌شدن می‌شود که واکنش تنی چند از بازیکنان عزیز و زحمتکش تیم ایران تأثیری است بر آن. نکته بعدی که با اغراق و بزرگ‌نمایی‌های توهم‌آلود پیش از مسابقه رابطه‌ای نزدیک دارد، تیم‌ها در اکثر مواقع از هم می‌پاشند و آماده سنگین‌ترکردن شکست می‌شوند. اساسا یأس پایدار پس از هر شکست در زمینه‌های گوناگون زندگی ایرانی قابل مشاهده است. نکته بعدی نیاموختن درس و تصحیح‌نکردن رفتارهای نادرست و برخوردهای غیرمنطقی است که در زمینه‌های بسیاری ازجمله سوانح طبیعی مانند زلزله بارها مشاهده شده است؛ گویی پس از هر حادثه منفی همه بیهوش می‌شوند و با حادثه بعدی به هوش آمده، مسئله منفی را تازه کشف می‌کنند. سخن در این باب فراوان است؛ اما باید پذیرفت که با تلاش جمعی می‌توان بر ویژگی‌های منفی شخصیت جمعی پیروز شد و بر آنها نقطه پایان گذاشت. در این تردیدی روا نیست. البته تمایل به پذیرش مشکلات شخصیت جمعی و علاقه‌مندی پایدار به مبارزه‌ای پیگیر با آنها مقوله‌ای فرهنگی است. ازاین‌رو نگارنده به توان عرفان ایرانی اشاره دارد. نباید فراموش کرد که عرفان به باور فرهیختگان داخلی و خارجی حوزه یا حیطه‌ای است که فرهنگ و انسان ایرانی بیشترین تأثیر را از آن گرفته است. متفکران مطرح بسیاری بارها تکرار کرده‌اند که گرچه همه جوامع جهان از ابتدایی‌ترین تا پیشرفته‌ترین آنها دارای بعدی عرفانی هستند، هیچ جامعه‌ای مانند ایران را نمی‌توان یافت که عرفان تا به این پایه با این شدت در جان اکثریت مردم جای گرفته است. متأسفانه با برخورد ایرانیان و پذیرش مدرنیته‌ای بی‌ایل و دم و اشکم، نفهمیده، هضم نشده، همراه با باورهای متضاد نادرست، رابطه ایرانیان با بسیاری از دستاوردهای گوناگون تاریخ خود به پایان آمده و با آنها وداع کرده‌اند.به باور نگارنده نخست باید به دو گونه عرفان که نگارنده اولی را عرفان پویا و دومی را عرفان ایستا نامیده، اشاره و آنها را از هم متمایز کرد. عرفان پویا عرفان زندگی جمعی است. در نتیجه با جمع سروکار دارد و دارای کارکردهای اجتماعی ارزنده‌ای آن هم برای قرن‌ها بوده است که یکی از چنین کارکردهایی تمایل به دگرگون‌سازی جمعی است. عرفان پویا همچنین بر نقد آگاه و مستند تأکید دارد؛ آن هم نقدی برای فرارفتن و طرحی نو درافکندن؛ به‌همین‌دلیل منابع جدید متعددی از عرفان به‌عنوان نوعی جنبش اجتماعی یاد کرده‌اند. برعکس عرفان ایستا بر فرد و منزوی‌سازی پای می‌فشرد و آن را راه هدایت می‌داند. در نتیجه گذشته‌نگر است و تا خودآزاری پیش می‌رود. عرفان پویا را رهایی نیز نام داده‌اند. از آغاز قرن بیستم روان‌شناسان، روانکاوان، روان‌پزشکان و آگاهان رشته‌های مربوطه به عرفان شرق روی آورده و با آن آشنا شده‌اند. جالب آنکه عرفان شرق را نوعی روان‌درمانی جمعی معرفی کرده‌اند. تنها کافی است تا به نکته‌ای که آلن واتس (allan watts) متفکری بسیار مطرح و معروف و صاحب‌نام، اشاره کرد که معتقد است: اگر ما به تفکر شرقی بنگریم، به‌راستی نشانی نه از بحث فلسفی می‌یابیم و نه از بحث مذهبی؛ بلکه آنچه آنها در چارچوب فلسفه و مذهب بیان می‌دارند، بسیار شبیه آن چیزی است که ما روان‌درمانی نام داده‌ایم (نقل به مضمون). روان‌شناسان و روانکاوان بسیاری تا آنجا پیش رفته‌اند که نگرش شرقی را دوای درد کاستی‌های بسیار نگرش نشانه‌محور (سیمپتوم) پزشکی غربی دانسته‌اند.براساس آنچه آمد، نگارنده عمیقا ایمان دارد چنانچه عرفان پویای ایرانی (منظور به‌هیچ‌وجه فرقه‌ها و گروه‌بندی‌های موجود نیست. ضمنا عرفان پویا باید به گونه‌ای صورت‌بندی شود که به کار همه ایرانیان بیاید؛ آن هم برکنار از ویژگی‌های فردی آنان) به شکلی قرن بیست‌ویکمی و مناسب نسل کنونی و آیندگان و به زبان آنان بازنویسی شود و درعین‌حال پذیرفته شود که حل مشکلات شخصیت جمعی یکی از وجوه بسیار مهم توسعه راستین، پایدار و دوستدار انسان و محیط زیست ایرانی به شمار می‌رود و بدون پیروزی بر مشکلات شخصیت جمعی که اکتسابی بوده‌اند، تحقق توسعه راستین و اصیل و مناسب جامعه و تاریخ ایران غیرممکن و تعلیق به محال است. بدون‌تردید می‌توانیم به مدد عرفان پویای امروزین‌شده و ساده‌شده بر همه مشکلات شخصیت جمعی و فردی غلبه کنیم. چنین بادا.

*عضو هیئت علمی آکادمی سوئیس برای توسعه

آگهی مزایده اموال غیر منقول (اسناد رهنی)

آگهی مزایده مال غیر منقول پرونده اجرائی کلاسه ش/۳-۲۱۳۳۱(۸۹۰۰۵۰۶) ششدانگ یک دستگاه آپارتمان واقع در طبقه دوم به مساحت ۷۷/۲۰ متر مربع که ۱/۰۲ متر مربع آن بالکن مسقف و ۲/۸۰ متر مربع آن به صورت پیشرفتگی به فضای گذر است . قطعه ۳تفکیکی به پلاک شماره ۱۲۱۸۳۸ فرعی از ۴۴۷۶ اصلی مفروز و مجزی شده از ۲۷۵۵۵ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۷ تهران بانضمام ششدانگ یک واحد پارکینگ به مساحت ۱۰/۸۰ متر مربع قطعه یک تفکیکی واقع در طبقه زیرزمین و ششدانگ یک انباری به مساحت ۱/۳۷ متر مربع قطعه ۳ تفکیکی واقع در طبقه زیرزمین محدود به حدود : حدود آپارتمان : شمالا در ۵ قسمت که دوم و چهارم شرقی است اول دیوار و پنجره به فضای گذر دوم و سوم دیوار به راه پله مشاعی چهارم و پنجم دیوار به آسانسور شرقا دیوار به قطعه ۲۰۴۴ تفکیکی سابق جنوبا اول دیوار و پنجره و لبه نرده بالکن دوم یخ است به فضای حیاط مشاعی غربا دیوار به دیوار قطعه ۲۰۴۶ تفکیکی سابق کف روی عرصه و سقف مشترک است .حدود پارکینگ : شمالا و شرقا و جنوبا خط فرضی به محوطه مشاعی غربا دیوار به پر قطعه ۲۰۴۶ تفکیکی سابق کف روی عرصه و سقف مشترک است . حدود انباری شمالا در و دیوار به محوطه مشاعی شرقا دیوار مشترک با انباری شماره ۴ جنوبا دیوار به پر حیاط مشاعی غربا دیوار مشترک با انباری شماره ۲ کف روی عرصه و سقف مشترک است که ذیل شماره ۳۶۱۳۶۶ صفحه ۲۳۶ دفتر املاک جلد ۲۲۳۰ ثبت و مع الواسطه به خانم راحله حاجی حسینی منتقل گردیده است و به موجب سند رهنی ۹۹۹۰۱-۸۷/۷/۹ دفتر ۴۲۸ تهران در رهن بانک پارسیان قرار گرفته که بعلت عدم ایفای تعهد منجربه صدور اجرائیه تحت شماره ش/۳--۲۱۳۳۱(۸۹۰۰۵۰۶) شده است و برابر نظریه مورخ ۹۷/۷/۲۲ تبصره ۲ ماده ماده ۱۰۱ آیین نامه اجرا کارشناس رسمی دادگستری توصیف اجمالی مورد وثیقه عبارت است از ملک فوق واقع است در تهران خیابان پیروزی خیابان عزیزاله عادلی کوچه حسن زاده پ۳۸ جدید طبقه دوم و مورد ارزیابی شامل دو اتاق خواب پذیرایی سرویس بهداشتی حمام و آشپزخانه باز است که در طبقه دوم یک ساختمان شش طبقه با اسکلت فلزی و قدمت حدود۱۶ سال شامل طبقه زیرزمین با کاربری پارکینگ و انباری و ۵ طبقه تک واحدی و مجموعا۵ واحدی واقع گردیده است کف سازی اتاق خواب ها سرامیک و دیوار آن ها اندود سفیدکاری و رنگ کف پذیرایی از نوع سرامیک و دیوار اندود سفید کاری و رنگ کف سازی آشپزخانه سرویس بهداشتی و حمام سرامیک دیوار آن ها کاشی کاری و کابینت منصوبه از نوع ام دی اف پنجره ها از نوع فلزی با شیشه ساده و آپارتمان دارای انشعابات آب و برق و گاز است . گرمایش و سرمایش آپارتمان به ترتیب توسط بخاری گازی و کولر آبی تامین می گردد نمای ساختمان سنگ کف سازی راه پله سنگ پوشش دیوار راه پله قرنیز ۳۰ سانتی متری سنگ و الباقی اندود سفیدکاری و رنگ کف پارکینگ موزاییک و اندود دیوار آن از نوع سیمان کاری و ساختمان دارای آسانسور است و به مبلغ ۵/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (پنج میلیارد و دویست میلیون ریال) ارزیابی شده است و جهت وصول طلب بانک و حقوق دولتی کلاسه فوق الذکر در روز یکشنبه مورخ ۹۷/۱۲/۵ از ساعت ۹ الی ۱۲ ظهر در محل اداره سوم اجرای اسناد رسمی واقع در تهران میدان ونک چهارراه جهان کودک ساختمان معاونت اجرای ثبت استان تهران سالن مزایده از طریق مزایده حضوری بفروش می رسد و مزایده از مبلغ ۵/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (پنج میلیارد و دویست میلیون ریال)شروع و به بالاترین قیمت که خریدار داشته باشد فروخته خواهد شد شرکت در ۲۳۶جلسه مزایده برای عموم آزاد است و فروش کلا نقدی است چنانچه روز تعیین شده باتعطیل رسمی مصادف گردد روز بعد از تعطیل جلسه مزایده در همان ساعت و مکان تشکیل خواهد شد طالبین و خریداران می توانند باارایه چک تضمین شده بانک ملی ایران به مبلغ پایه مزایده در وقت مقرر در جلسه مزایده شرکت نمایند ضمنا بدهی های مربوط به آب برق گاز اعم از حق انشعاب و اشتراک و مصرف و نیز بدهی مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره که رقم قطعی آنها برای این اداره معلوم نشده بعده برنده مزایده است و تنظیم سند انتقال موکول به ارائه مفاصا حسابهای دارایی و شهرداری و ... خواهد بود . مورد مزایده با توجه به اعلام بستانکار بیمه میباشد.

م الف ۲۰۶۹۰ اداره سوم اجرای اسناد رسمی (تهران)